

تولد عیسی

¹ و در آن ایام حکمی از اوغُسْتُطُس قیصر صادر گشت که تمام ربع مسکون را اسم نویسی کنند.² و این اسم نویسی اوّل شد، هنگامی که کیرینیوس والی سوریه بود.³ پس همه مردم هر یک به شهر خود برای اسمنویسی می‌رفتند.⁴ و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. زیرا که او از خاندان و آل داود بود.⁵ تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد.⁶ و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده،⁷ پسر نخستین خود را زایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود.

جوپانان به سمت عیسی می آیند

⁸ و در آن نواحی، شبانان در صحرا بسر می‌بردند و در شب پاسبانی گله‌های خویش می‌کردند.⁹ ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبریایی خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند.¹⁰ فرشته ایشان را گفت: مترسید، زیرا اینک، بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم خواهد بود.¹¹ که امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.¹² و علامت برای شما این است که طفلی در قنداقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.¹³ در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح کنان می‌گفتند:¹⁴ خدا را در اعلی‌علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد.

¹⁵ و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: الآن به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است ببینیم.¹⁶ پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند.¹⁷ چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند.¹⁸ و هر که می‌شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند، تعجب می‌نمود.¹⁹ اما مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می‌داشت.²⁰ و شبانان خدا را تمجید و حمدکنان برگشتند، به سبب همه آن اموری که دیده و شنیده

ولاده یسوع المسیح

¹ وَفِي تِلْكَ الْآيَامِ صَدَرَ أَمْرٌ مِنْ أَوْغُسْطُس قَيْصَرَ أَنْ يُكْتَتَبَ كُلُّ الْمَسْكُونَةِ.² وَهَذَا الْإِكْتِتَابُ الْأَوَّلُ جَرَى إِذْ كَانَ كِيرِينْيُوسُ وَالِي سُورِيَّةَ.³ فَذَهَبَ الْجَمِيعُ لِيُكْتَبُوا، كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى مَدِينَتِهِ.⁴ فَصَعِدَ يُوسُفُ أَيْضًا مِنَ الْجَلِيلِ مِنْ مَدِينَةِ النَّاصِرَةِ إِلَى الْيَهُودِيَّةِ إِلَى مَدِينَةِ دَاوُدَ الَّتِي تُدْعَى بَيْتَ لَحْمٍ لِكَوْنِهِ مِنْ بَيْتِ دَاوُدَ وَعَشِيرَتِهِ،⁵ لِيُكْتَبَ مَعَ مَرْيَمَ امْرَأَتِهِ الْمَخْطُوبَةِ وَهِيَ حُبْلَى. وَبَيْنَمَا هُمَا هُنَاكَ تَمَّتْ أَتَامُهَا لِتِلْدِهِ،⁷ قَوْلَدَتْ ابْنَهَا الْبَكْرَ وَقَمَطْنَتْهُ وَأَصْجَعَتْهُ فِي الْمِدْوَدِ إِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا مَوْضِعٌ فِي الْمَنْزِلِ.

الرعاة يزورون يسوع

⁸ وَكَانَ فِي تِلْكَ الْكُورَةِ رَعَاةٌ مُتَبَدِّلِينَ يَحْرُسُونَ جِرَاسَاتِ اللَّيْلِ عَلَى رَعِيَّتِهِمْ.⁹ وَإِذَا مَلَاكُ الرَّبِّ وَقَفَ بِهِمْ وَمَجَّدَ الرَّبُّ أَصَاءَ خَوْلَهُمْ فَخَافُوا خَوْفًا عَظِيمًا.¹⁰ فَقَالَ لَهُمُ الْمَلَاكُ: لَا تَخَافُوا، فَهَا أَنَا أَبَشِّرُكُمْ بِفَرَحٍ عَظِيمٍ يَكُونُ لِجَمِيعِ السَّعْبِ.¹¹ أَنَّهُ وُلِدَ لَكُمْ الْيَوْمَ فِي مَدِينَةِ دَاوُدَ مُخَلِّصٌ هُوَ الْمَسِيحُ الرَّبُّ.¹² وَهَذِهِ لَكُمْ الْعَلَامَةُ: تَجِدُونَ طِفْلًا مَقْمَطًا مُضْجَعًا فِي مِدْوَدٍ.¹³ وَظَهَرَ بَعَثَةً مَعَ الْمَلَاكِ جُمْهُورٌ مِنَ الْجُنْدِ السَّمَاوِيِّ مُسَبِّحِينَ اللَّهَ وَقَائِلِينَ: الْمَجْدُ لِلَّهِ فِي الْأَعَالِي وَعَلَى الْأَرْضِ السَّلَامُ وَبِالنَّاسِ الْمَسَرَّةُ.

¹⁵ وَلَمَّا مَضَتْ عَنْهُمْ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ الرِّجَالُ الرَّعَاةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لِنَذْهَبِ الْآنَ إِلَى بَيْتِ لَحْمٍ وَنَنْظُرَ هَذَا الْأَمْرَ الْوَاقِعَ الَّذِي أَعْلَمْنَا بِهِ الرَّبُّ.¹⁶ فَجَاءُوا مُسْرِعِينَ وَوَجَدُوا مَرْيَمَ وَيُوسُفَ وَالطِّفْلَ مُضْجَعًا فِي الْمِدْوَدِ.¹⁷ فَلَمَّا رَأَوْهُ أَخْبَرُوا بِالْكَلامِ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ عَنْ هَذَا الصَّبِيِّ.¹⁸ وَكُلُّ الَّذِينَ سَمِعُوا تَعَجَّبُوا مِمَّا قِيلَ لَهُمْ مِنَ الرَّعَاةِ.¹⁹ وَأَمَّا مَرْيَمُ فَكَانَتْ تَحْقُقُ جَمِيعَ هَذَا الْكَلَامِ مُتَفَكِّرَةً بِهِ فِي قَلْبِهَا.²⁰ ثُمَّ رَجَعَ الرَّعَاةُ وَهُمْ يُمَجِّدُونَ اللَّهَ وَيُسَبِّحُونَهُ عَلَى كُلِّ مَا سَمِعُوهُ وَرَأَوْهُ كَمَا قِيلَ لَهُمْ.

تقديم يسوع وختانه في الهيكل

²¹ وَلَمَّا تَمَّتْ ثَمَانِيَةُ أَيَّامَ لِيُخَيَّنُوا الصَّبِيُّ سَمِّيَ يَسُوعَ، كَمَا تَسَمَّى مِنَ الْمَلَاكِ قَبْلَ أَنْ حُبِلَ بِهِ فِي الْبَطْنِ.²² وَلَمَّا بَمَّتْ أَيَّامُ تَطْهِيرِهَا حَسَبَ شَرِيعَةِ مُوسَى صَعِدُوا بِهِ إِلَى أُورُشَلِيمَ لِيُقَدِّمُوهُ لِلرَّبِّ، كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي تَامُوسِ الرَّبِّ: "أَنْ كُلَّ ذَكَرٍ، فَإِنِجَ رَجَمٍ، يُدْعَى قُدُّوسًا لِلرَّبِّ"،²⁴ وَلَكِنْ يُقَدِّمُوا ذَبِيحَةً كَمَا قِيلَ فِي تَامُوسِ الرَّبِّ: "زَوْجٌ يَمَامٍ أَوْ فَرْحَنِي حَمَامٍ".

بودند چنانکه به ایشان گفته شده بود.

ختنه و نامیدن عیسی در معبد بزرگ

²¹ و چون روز هشتم، وقت ختنه طفل رسید، او را عیسی نام نهادند، چنانکه فرشته قبل از قرار گرفتن او در رحم، او را نامیده بود.

²² و چون ایام تطهیر ایشان برحسب شریعت موسی رسید، او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند. ²³ چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است که: هر ذکوری که رَجِم را گشاید، مقدس خداوند خوانده شود. ²⁴ و تا قربانی گذرانند، چنانکه در شریعت خداوند مقرر است، یعنی جفت فاختهای یا دو جوجه کبوتر.

²⁵ و اینک، شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر وی بود. ²⁶ و از روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید. ²⁷ پس به راهنمایی روح، به معبد درآمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را بجهت او به عمل آورند، ²⁸ او را در آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده، گفت: ²⁹ الحال ای خداوند بنده خود را رخصت می دهی، به سلامتی برحسب کلام خود. ³⁰ زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است، ³¹ که آن را پیش روی جمیع اُمّت ها مهیا ساختی. ³² نوری که کشف حجاب برای اُمّت ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بَدَد. ³³ و یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد، تعجب نمودند. ³⁴ پس شمعون ایشان را برکت داده، به مادرش مریم گفت: اینک، این طفل قرار داده شد، برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت. ³⁵ و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود.

³⁶ و زنی نبیه بود، حنا نام، دختر قنویل از سبط آشیر بسیار سالخورده، که از زمان بکارت هفت سال با شوهر بسر برده بود. ³⁷ و قریب به هشتاد و چهار سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدا نمی شد، بلکه شبانه روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول می بود. ³⁸ او در همان ساعت در آمده، خدا را شکر نمود و درباره او به همه منتظرین نجات در اورشلیم،

²⁵ وَكَانَ رَجُلٌ فِي أُورُشَلِيمَ اسْمُهُ سِمْعَانُ، وَهَذَا الرَّجُلُ كَانَ بَارًّا تَقِيًّا يَنْتَظِرُ تَغْزِيَةَ إِسْرَائِيلَ وَالرُّوحَ الْقُدُسُ كَانَ عَلَيْهِ. ²⁶ وَكَانَ قَدْ أُوجِيَ إِلَيْهِ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ أَنَّهُ لَا يَرَى الْمَوْتَ قَبْلَ أَنْ يَرَى مَسِيحَ الرَّبِّ. ²⁷ فَأَتَى بِالرُّوحِ إِلَى الْهَيْكَلِ، وَعِنْدَمَا دَخَلَ بِالصَّبِيِّ يَسُوعَ أَبَوَاهُ لِيَصْنَعَا لَهُ حَسَبَ عَادَةِ النَّامُوسِ، ²⁸ أَخَذَهُ عَلَى ذِرَاعَيْهِ وَبَارَكَ اللَّهَ وَقَالَ: ²⁹ الْآنَ تُطْلِقُ عَبْدَكَ، يَا سَيِّدُ، حَسَبَ قَوْلِكَ بِسَلَامٍ، ³⁰ لَأَنَّ عَيْنَيَّ قَدْ أَبْصَرْتُ خَلَاصَكَ الَّذِي أَغَدَدْتُهُ قُدَّامَ وَجْهِ جَمِيعِ الشُّعُوبِ، ³² نَوْرَ إِعْلَانٍ لِلْأَمَمِ وَمَجْدًا لِشُعْبِكَ إِسْرَائِيلَ. ³³ وَكَانَ يُوسُفُ وَأُمُّهُ يَتَعَجَّبَانِ مِمَّا قِيلَ فِيهِ. ³⁴ وَبَارَكُهُمَا سِمْعَانُ وَقَالَ لِمَرْيَمَ، أُمِّهِ: هَا إِنَّ هَذَا قَدْ وُضِعَ لِسُفُوطٍ وَقِيَامٍ كَثِيرِينَ فِي إِسْرَائِيلَ وَلِعَلَّامَةٍ تُقَاوَمُ، ³⁵ وَأَنْتِ أَيْضًا تَجُوزِينَ فِي نَفْسِكَ سَيْفٌ، لِيُعْلَنَ أَفْكَارُ مِنْ قُلُوبٍ كَثِيرَةٍ.

³⁶ وَكَانَتْ نَبِيَّةٌ، حَنَّةُ بِنْتُ قَنُوَيْلَ مِنْ سِبْطِ أَشِيرَ، وَهِيَ مُتَقَدِّمَةٌ فِي أَيَّامٍ كَثِيرَةٍ، قَدْ عَاشَتْ مَعَ رُوحٍ سَبْعِ سِنِينَ بَعْدَ بُكَورِ بَيْتِهَا، ³⁷ وَهِيَ أَرْمَلَةٌ تَحْوُ أَرْبَعَ وَثَمَانِينَ سَنَةً، لَا تُقَارِفُ الْهَيْكَلَ، عَائِدَةً بِأَصْوَامٍ وَطِلْبَاتٍ لَيْلًا وَنَهَارًا. ³⁸ فَهِيَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَقَفَتْ تُبَسِّحُ الرَّبَّ وَتَكَلَّمَتْ عَنْهُ مَعَ جَمِيعِ الْمُتَنْظِرِينَ فِدَاءً فِي أُورُشَلِيمَ.

الرجوع الى الناصرة ويسوع الصبي في الهيكل

³⁹ وَلَمَّا اكْمَلُوا كُلَّ شَيْءٍ حَسَبَ تَامُوسَ الرَّبِّ رَجَعُوا إِلَى الْجَلِيلِ إِلَى مَدِينَتِهِمُ النَّاصِرَةِ. ⁴⁰ وَكَانَ الصَّبِيُّ يَنْمُو وَيَتَقَوَّى بِالرُّوحِ مُمْتَلِئًا حِكْمَةً، وَكَانَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ. ⁴¹ وَكَانَ أَبَوَاهُ يَذْهَبَانِ كُلَّ سَنَةٍ إِلَى أُورُشَلِيمَ فِي عِيدِ الْفِصْحِ. ⁴² وَلَمَّا كَانَتْ لَهُ اثْنَا عَشْرَةَ سَنَةً صَعِدُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ كَعَادَةِ الْعِيدِ. ⁴³ وَبَعْدَمَا اكْمَلُوا الْأَيَّامَ بَقِيَ عِنْدَ رُجُوعِهِمَا الصَّبِيُّ يَسُوعُ فِي أُورُشَلِيمَ، وَيُوسُفُ وَأُمُّهُ لَمْ يَعْلَمَا. ⁴⁴ وَإِذْ طَنَاهُ بَيْنَ الرَّفَقَةِ ذَهَابًا مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَكَانَا يَطْلُبَانِهِ بَيْنَ الْأَقْرَبَاءِ وَالْمَعَارِفِ. ⁴⁵ وَلَمَّا لَمْ يَجِدَاهُ رَجَعَا إِلَى أُورُشَلِيمَ يَطْلُبَانِهِ. ⁴⁶ وَبَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَجَدَاهُ فِي الْهَيْكَلِ جَالِسًا فِي وَسْطِ الْمُعَلِّمِينَ يَسْمَعُهُمْ وَيَسْأَلُهُمْ. ⁴⁷ وَكُلُّ الَّذِينَ سَمِعُوهُ يَعْجَبُونَ مِنْ فَهْمِهِ وَأَجَوَبَتِهِ. ⁴⁸ فَلَمَّا أَبْصَرَاهُ انْدَهَشَا، وَقَالَتْ لَهُ أُمُّهُ: يَا بُنَيَّ، لِمَاذَا فَعَلْتَ بِنَا هَكَذَا؟ هُوَذَا أَبُوكَ وَأَنَا كُنَّا نَطْلُقُكَ مُعَذِّبِينَ؟ ⁴⁹ فَقَالَ لَهُمَا: لِمَاذَا كُنْتُمَا تَطْلُبَانِي؟ أَلَمْ تَعْلَمَا أَنَّهُ يُتَّبَعِي أَنْ أَكُونَ فِي مَا لِأَبِي؟ ⁵⁰ فَلَمْ يَفْهَمَا الْكَلَامَ

تکلم نمود.

³⁹ و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را به پایان برده بودند، به شهر خود ناصره جلیل مراجعت کردند. ⁴⁰ و طفل نمو کرده، به روح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بر وی می‌بود.

عیسی نوجوان در معبد بزرگ

⁴¹ و والدین او هر ساله بجهت عید فصّح، به اورشلیم می‌رفتند. ⁴² و چون دوازده ساله شد، موافق رسم عید، به اورشلیم آمدند. ⁴³ و چون روزها را تمام کرده، مراجعت می‌نمودند، آن طفل یعنی عیسی، در اورشلیم توقّف نمود و یوسف و مادرش نمی‌دانستند. ⁴⁴ بلکه چون گمان می‌بردند که او در قافله است، سفر یکروزه کردند و او را در میان خویشان و آشنایان خود می‌جستند. ⁴⁵ و چون او را نیافتند، در طلب او به اورشلیم برگشتند. ⁴⁶ و بعد از سه روز، او را در هیکل یافتند که در میان معلمان نشسته، سخنان ایشان را می‌شنود و از ایشان سؤال همی‌کرد. ⁴⁷ و هر که سخن او را می‌شنید، از فهم و جوابهای او متحیر می‌گشت. ⁴⁸ چون ایشان او را دیدند، مضطرب شدند. پس مادرش به وی گفت: ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می‌کردیم. ⁴⁹ او به ایشان گفت: از بهر چه مرا طلب می‌کردید؟ مگر ندانسته‌اید که باید من در امور پدر خود باشم؟ ⁵⁰ ولی آن سخنی را که بدیشان گفت، نفهمیدند. ⁵¹ پس با ایشان روانه شده، به ناصره آمد و مطیع ایشان می‌بود و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می‌داشت. ⁵² و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد.

الَّذِي قَالَ لَهُمَا: ⁵¹ ثُمَّ تَزَلَّ مَعَهُمَا وَجَاءَ إِلَى النَّاصِرَةِ وَكَانَ خَاصِعًا لَهُمَا. وَكَانَتْ أُمُّهُ تَحْقُطُ جَمِيعَ هَذِهِ الْأُمُورِ فِي قَلْبِهَا. ⁵² وَأَمَّا يَسُوعُ فَكَانَ يَتَقَدَّمُ فِي الْحِكْمَةِ وَالْقَامَةِ وَالنَّعْمَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ.